

## عقب نشینی رژیم اسلامی در مقابل جنبش آزادی زن یا طرفداری از تعدیل و اصلاح

بخش دوم

صفحه ۲

مصاحبه رادیو پرتو با آذر ماجدی

## پیام سازمان آزادی زن بمناسبت اول ماه مه

### در اول مه؛

علیه فقر و تبعیض بمیدان بیائیم!

صفحه ۵

سیاوش دانشور



### دریای مدیترانه گور جمعی

قتل عام جستجوگران یک ماوا

صفحه ۶

آذر ماجدی

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



## عقب نشینی رژیم اسلامی در مقابل جنبش آزادی زن یا طرفداری از تعدیل و اصلاح

بخش دوم

گفتگو با آذر ماجدی

زنان بیشماری بعلت عدم رعایت حجاب، شکستن دیوار آپارتاید جنسی و زیر بار قوانین اسلامی نرفتن، شکنجه و کشته شدند. بعد از پایان جنگ ایران و عراق و با آمدن یک نسل جدید به میدان، نسلی که از سرکوب خونین، شکنجه های وحشیانه و خط تولید اعدام در سیاه چاله های رژیم اطلاع دست اولی نداشت، شرایط تغییر کرد. مساله زن بعنوان یک مساله اجتماعی در جامعه مطرح شد، نشریات و ادبیات مربوط به این مساله وسیعا انتشار یافت. حجاب سبک تر و کمتر شد و دیوار آپارتاید جنسی ترک بزرگی برداشت. نبرد با رژیم همچنان ادامه داشته است. مساله حجاب اکنون بیشتر مساله رژیم است تا زنان. هر تلاشی می کند سرش به سنگ می خورد. چند بار در سال به بهانه های مختلف ارازل و اوباش خود را به جان زنان می اندازد و هر بار با مقاومت محکمتر و وسیعتری روبرو می شود. به ظاهر و لباس پوشیدن زنان در ایران نگاهی بیاندازید، هیچ ربطی به حجاب اسلامی ندارد. این یک دستاورد دیگر جنبش آزادی زن است؛ به سخره کشیدن حجاب و عفت اسلامی!

شخصیت عمومی زنان در ایران با تصویر اسلامی از زن "ضعیفه" و "فرمانبردار" کاملا بیگانه است. آخوند جماعت ممکن است زن را ضعیفه بخواند، اما جامعه زن را در قالب دیگری می شناسد. در ایران زنان علی العموم از یک استقلال رای و اعتماد به نفس متفاوتی نسبت به دنیای تحت اسلام برخوردارند. این خصوصیت محصول چهار دهه مقاومت و جنگ است. جامعه ایران علی العموم و بخصوص نسل جوان بسیار مدرن است. مساله اکثریت داشتن دانشجویان دختر بکنار،

آوردند. اما شکل گیری یک تظاهرات وسیع و توده ای در تهران و چند شهر بزرگ دیگر با شعارهای رادیکال، رژیم اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد. این یک دستاورد بسیار مهم و با ارزش است. باید توجه داشت که این دستاورد صرفا به لغو حکم خمینی ختم نمی شود، درک قدرت بالقوه، نشان دادن به رژیم که قادر نخواهد بود براحتی امر خود را پیش برد، تعمیق "نه" به بعد اسلامی رژیم، اینها بخش دیگر این دستاورد محسوب می شوند. این روز عملا روز تولد جنبش نوین آزادی زن در ایران است. مقاومت زنان به یک تظاهرات یک روزه خلاصه نشد. یک هفته اعتراضات وسیع و آژیتاسیون درباره آزادی زن در تهران به جامعه نشان داد که زنان بدون جنگ تسلیم نخواهند شد.

رژیم اسلامی پس از سه چهار ماه دوباره در تابستان ۵۸ مساله حجاب برای زنان کارکن دولتی را طرح کرد. یک کمپین اعتراضی دیگر شکل گرفت. زنان در مقابل کاخ ریاست جمهوری (بنی صدر رئیس جمهور بود) تجمع کردند. تعدادی از زنان پرستار و کارمند بعنوان اعتراض سیاه پوشیدند، "در عزاداری مرگ آزادی". دولت این زنان را اخراج کرد و دوباره مقداری عقب نشینی کرد. بالاخره بعد از خرداد ۶۰ که رژیم در یک کودتا مانند جامعه را به خون کشید و یک سرکوب خونین که به کشته شدن هزاران نفر جوان، نوجوان و حتی کودک انجامید، توانست حجاب را اجباری کند؛ بیک معنا فقط پس از کشیدن حجاب اختناق بر سر کل جامعه، رژیم اسلامی موفق شد حجاب اسلامی بر سر زنان کند.

البته این به این معنا نیست که در این مدت زنان ساکت و فرمانبردار بودند، خیر.

لیلا ارغوانی: شما به دستاوردهای جنبش آزادی زن اشاره می کنید، این دستاوردها کدامند؟

آذر ماجدی: موقعیت زنان در جامعه و جنبش آزادی زن یک پدیده استاتیک نیست. اگر به تاریخ جنبش آزادی زن در نزدیک به چهار دهه اخیر نگاه کنید، آنگاه درک روشن تری از این دستاوردها خواهید داشت. باید به نبرد لاینقطعی که میان جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی در جریان بوده است دقیق شوید. اگر رژیم اسلامی با مقاومت و مبارزه روبرو نمی شد، موقعیت زنان در شرایط حاضر بسیار متفاوت می بود. به جامعه عربستان سعودی نگاه کنید، موقعیت زنان در ایران هم همانگونه می بود. بنابراین اولین دستاورد این جنبش همان شکست رژیم اسلامی در پیاده کردن اهدافش در مورد موقعیت زنان در جامعه است. سازماندهی یک جنبش مقاومت عظیم در مقابله با رژیم اسلامی یک مولفه مهم در جامعه است. جنبش آزادی زن در این راه هزینه های بالا پرداخته است؛ این دستاورد به قیمت شکنجه، محرومیت، شلاق، زندان و سنگسار بدست آمده است.

یکبار دیگر مختصرا به نقاط تعیین کننده در این تاریخ اشاره کنیم. سال ۵۷ روز ۱۷ اسفند، مصادف با ۸ مارس، سازمانهای زنان مراسم مختلفی برگزار کرده بودند. این اولین ۸ مارس آزاد در ایران بود. برای مقابله با جنبش آزادی زن و باصطلاح "کشتن گربه دم حبله" خمینی دستور داد زنان حجاب سر کنند. اگر زنان ساکت می نشستند یا فقط شمار کمی اعتراض می کردند، از همان روز حجاب در ایران اجباری می شد و بدنبال آن هر بلای دیگری که می خواستند سر زنان می

## عقب نشینی رژیم اسلامی در مقابل جنبش آزادی زن یا طرفداری از تعدیل و اصلاح ...

عمومی حقوق زن که توسط رسانه های نعلین بوس بین المللی مانند بی بی سی، صدای آمریکا، رادیو فردا و امثالهم مطرح می شوند، حفظ رژیم اسلامی برایشان مهمتر از آزادی زن است. اینها در واقعیت امر نمایندگان رسمی یا خودگماشته رژیم اسلامی درون این جنبش هستند. نقش اینها ممانعت از رادیکالیزاسیون این جنبش است؛ تلاش برای محدود نگاه داشتن افق و خواسته های آن و تلطیف روشهای آنست. کسانی که مثل شیرین عبادی اعلام می کنند اسلام زن ستیز نیست، یا از "حجاب مادران ما" حرف می زنند؛ کسانی که برای "دیه برابر" مبارزه می کنند یا برای تعدیل قانون چند همسری به دستبوسی ارازل و اوباش مجلس می روند، اینها آن گرایش ملی - اسلامی و اصلاح طلب حکومتی هستند. برای بخشی دیگر لغو حجاب اجباری و تعدیل قوانین خانواده کافیسست. بیش از این مطالبه ای ندارند. اما برای بخش رادیکال و برابری طلب آن مقوله آزادی زن بسیار فراتر می رود. برنامه یک دنیای بهتر این حقوق و آزادی را به روشنی تبیین و تعریف کرده است. این برنامه پیشروترین برنامه سیاسی در دنیا است.

در واقع سه جنبش اصلی اجتماعی درون جامعه، ملی - اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب و کمونیسم کارگری درون جنبش آزادی زن نیز حضور دارند. به منظور تفکیک اینها من کل این جنبش را جنبش حق یا حقوق زن می خوانم و بخش رادیکال و ماکزیمالیست آنرا جنبش آزادی زن.

**لیلا ارغوانی:** قوانینی درباره حقوق زن در قانون اساسی هست که حکومت عنوان می کند این قوانین طبق اسلام و تغییر ناپذیر است. در این صورت جنبش حقوق زن برای تغییر آنها چه می تواند انجام دهد؟

**آذر ماجدی:** مبارزه، عقب نشاندن رژیم اسلامی و در نهایت سرنگونی رژیم اسلامی. تغییر قانون، یک پدیده سیاسی است که به مقوله قدرت سیاسی مربوط می شود. تغییر توازن

و در دهه ۸۰ کاملاً روشن و بارز شد. یا بعد از انقلاب اکتبر در روسیه و سپس سایر جمهوری های شوروی، یعنی در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۰ جنبشی وجود داشت که توسط زنان بلشویک سازمان یافته و وسعت یافته بود. کادرهای آن همه زنان بلشویک بودند. دولت هم یک دولت انقلابی بود و به امر برابری زن و مرد ارج می گذاشت. بنابراین شما احتیاج به تفکیک گرایشات مختلف درون این جنبش نبودید، و آنرا جنبش آزادی زن می خوانند. در ایران اما شرایط متفاوت است. در یک جامعه ای که تحت یک دیکتاتوری اسلامی تا مغز استخوان زن ستیز بسر می برد، یک جنبش وسیع و توده ای برای حقوق زن شکل گرفته است. و دقیقاً بخاطر چنین اختلاقی چهره های رادیکال و آزادخواه این جنبش نمی توانند براحتی و باسرم خود عرض اندام کنند و فقط شخصیت های ملی - اسلامی یا اصلاح طلب حکومتی به جلوی صحنه می آیند. رسانه های نعلین بوس و ژورنالیسم سطحی تمامی این جنبش را با این چهره ها و حاج خانم های دولتی تداعی می کنند. در حالیکه یک گرایش قوی رادیکال و ماکزیمالیست درون این جنبش وجود دارد که آزادخواه و برابری طلب است. این گرایش چپ است و با کمونیسم کارگری سنخیت بسیار دارد. لذا بمنظور نشان دادن این دو گرایش کاملاً متفاوت درون یک جنبش من دو لفظ جنبش حقوق زن و آزادی زن را استفاده می کنم. باید توجه داشت که در ایران در تمایز با بسیاری جوامع دیگر کمونیسم قوی است. این پدیده به یمن انقلاب ۵۷ و مبارزات کمونیستی پس از آن شکل گرفته است. شخصیت های فعال آزادی زن متعلق به جنبش کمونیسم کارگری در جامعه ایران شناخته شده اند.

بخشی از چهره های سرشناس جنبش

پدیده هایی چون عدم ازدواج در سنین پایین، ازدواج های سفید و طلاق های عاطفی، مقولاتی که خاص ایران است و اسامی خود ویژه نیز دارد، بیانگر مناسباتی بسیار متفاوت میان دو جنس و موقعیت اجتماعی کاملاً متفاوت زنان، حداقل در شهرهای بزرگ است. نقش زنان در سینما و موزیک نیز یک مولفه مهم و قابل ذکر دیگر است. در یک کلام فاصله بزرگی میان تصویر و نقش رسمی زنان و تصویر و نقش واقعی یا دوفاکتوی زنان در جامعه وجود دارد.

لذا در ایران دستاوردها را نه در شکل حقوقی، بلکه در شکل اجتماعی - فرهنگی مشاهده می کنید. بگذارید این بختک سیاه را از بالای سر جامعه به کنار کشیم، آنگاه متوجه عمق تحول و تغییر در موقعیت زنان در جامعه خواهیم شد.

**لیلا ارغوانی:** شما جنبش آزادی زن را در برابر جنبش حقوقی زن مطرح کردید چطور این را توضیح می دهید؟

**آذر ماجدی:** من این دو را در مقابل هم قرار نمیدهم. بمنظور تفکیک دو گرایش کاملاً متفاوت در این جنبش و شناساندن آنها، من از این دو نام استفاده می کنم. معمولاً همیشه در جنبش های اجتماعی گرایشات مختلف موجود است، اما در ایران این مساله با عمق و تفاوت بسیار برجسته تری بارز می شود. بطور مثال جنبش آزادی زن در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در اروپا عمدتاً تحت حاکمیت چپ و بسیار متأثر از مارکسیسم بود؛ آنچه در آن زمان به آن چپ نو می گفتند. سپس در دهه ۸۰ گرایشات برجسته تر شد. "رادیکال فمینیسم"، "سوسیال فمینیسم" و "مارکسیسم فمینیسم" خطوط اصلی این گرایشات بود که در دهه ۷۰ شکل گرفت

## ریشه زن کشی در دنیای امروز

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هرچه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی و اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

از مطلب: زن در زندگی و مرگ،

منصور حکمت

## عقب نشینی رژیم اسلامی در مقابل جنبش آزادی زن یا طرفداری از تعدیل و اصلاح ...

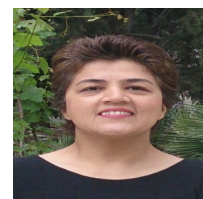
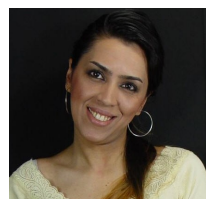
قوای سیاسی بنفع خود و در تحلیل نهایی تصرف آن راه ایجاد تغییرات اساسی اجتماعی و سیاسی است.

این مبارزه و مقاومتی که خارج از اراده من و شما در جامعه جریان دارد، این توازن قوای سیاسی را تغییر می دهد، به این صورت که مشاهده می کنیم علیرغم اجباری بودن حجاب و قوانین تنبیهی سخت در صورت عدم رعایت آن، وضعیت حجاب اسلامی به این صورت درآمده است؛ به همه چیز شبیه است، بجز حجاب اسلامی. لغو حجاب اسلامی در قانون نیاز به سرنگونی رژیم اسلامی دارد، اما به سخره کشیدن آن پدیده ای است که با تغییر توازن قوا کسب شده است.

رژیم اسلامی بدون حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی قابل تصور نیست. اما مردم عملاً آنرا به یک پدیده صرفاً سمبلیک بدل کرده اند. مردم و رژیم این توازن قوار را بصورت بیان نشده برسمیت شناخته اند. بعضاً رژیم برای اینکه بگوید: "من هستم" یورش می آورد و جنگ در سنگری آغاز می شود، لیکن رژیم اسلامی می داند که قادر نیست حجاب اسلامی واقعی را بر سر زنان کند. حاصل مبارزه جنبش های اجتماعی تغییر توازن قوای سیاسی است. به میزانی که جریان رادیکال، انقلابی و آزادیخواه دست بالا تری پیدا کند، این توازن قوا بیشتر بنفع آزادیخواهی و برابری طلبی و بسوی سرنگونی کامل رژیم اسلامی می چرخد.

این یک امر روشن و مسلم است که سرنگونی رژیم اسلامی شرط لازم دستیابی به آزادی و برابری زن و مرد است. جنبش آزادی زن یک ستون محکم جنبش سرنگونی است. اگر ما از "انقلابی که رنگ و بوی زنانه دارد" صحبت می کنیم، از اینرو است. باین خاطر که جنبش آزادی زن یک ستون اصلی جنبش سرنگونی در ایران است.

\* این متن بر مبنای مصاحبه رادیو پرتو با آذر ماجدی تهیه شده است. مصاحبه رادیویی و متن کتبی آن توسط لیلا ارغوانی و شیدا ارغوانی تهیه شده است.



تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!



## در اول مه؛

# علیه فقر و تبعیض بمیدان بیائیم!

سیاوش دانشپور

ملموس میلیونها خانواده کارگری است. کارگران باید راه حل اجتماعی خود را در مقابل جامعه بگذارند و بعنوان یک فاکتور تعیین کننده سیاست در ایران بمیدان بیاند.

تاکید چند نکته در باره اول مه ضروری است:

۱- برپائی مراسمهای مستقل و گسترده کارگری در اول مه باید هدف اصلی ما باشد. کارگران باید تلاش کنند قدرتشان را در قبل روز کارگر و روز کارگر نشان دهند. تردیدی نیست که باید به مقدرات و امکانات مان توجه کنیم. محدودیتها را ببینیم و موانع را از سر راه برداریم. تلاش کنیم مراسمهای اول مه همراه با خانواده های کارگری و وسیع برگزار شود. باید تلاش کنیم در هر گوشه، در دانشگاه و همه جا، فضا را رنگ و بوی اول مه دهیم.

۲- اول مه تعطیل است و مراسمها باید بیرون محل کار و اساسا در مراکز مهم شهرها و پارکها و هر جا که فعالین و رهبران کارگری تشخیص میدهند برگزار شود. برپائی اول مه مجوز نمیخواهد و حق بدیهی و پایه ای کارگران است. باید بر حق بیقید و شرط برپائی مستقل مراسمها توسط خود کارگران و برسمیت شناسی مراسم مستقل کارگران توسط دولت و قانون تاکید کنیم.

۳- نهادها و باندهای حکومتی در میان کارگران و مشخصا خانه کارگر و شوراهای اسلامی تلاش دارند در دفاع از روحانی و جمهوری اسلامی، کارگران را به سیاهی لشکر نماز جمعه تبدیل کنند و از تریبونهای سیاستهای ضد کارگری حکومتی را بنام "کارگران" اعلام کنند. کارگران نباید به این اوباش سرمایه اجازه دهند در اول مه میداناری کنند. اول مه روز کارگر است، تریبونها در اینروز باید در دست کارگران باشد، هیچ کارگری نباید تحمل کند که کارفرماها و استثمارکنندگان اش در اول مه بنام طبقه کارگر سخن بگویند.

۴- طبقه کارگر در اول مه باید در موضع رهبر آزادی جامعه ظاهر شود و از این موضع خواستهایش را اعلام کند. قطعنامه های کارگران باید بیان بسیج جامعه حول پرچم طبقه کارگر علیه فقر و برای آزادی و رفاه همگان باشد.

\*\*\*

فقر و فلاکت بیداد میکند. ارتش بیکاری به حد انفجار رسیده است. طب و درمان لوکس شده است. آموزش برای بسیاری قابل دسترس نیست. با گرانی سرسام آور و تورم افسارگسیخته، هر روز قدرت خرید کارگران کاهش می یابد. امنیت شغلی دیگر کیمیاست. آن بخش از طبقه کارگر که هنوز شاغل است، عمدتا با کار قراردادی و برده وار و دستمزدهای پرداخت نشده روبرو است. حقوقها چند برابر زیر خط فقر است. بخش وسیعی از کارگران که در کارگاههای کوچک کار میکنند، بسان بردگانی هستند که حتی شامل قانون همان برده دار هم نمیشوند. در کنار فقر و فلاکت عمومی، اختناق و زورگویی حکمفرماست. جنایت و اعدام و سرکوب از ضروریات اسلام است. سرکوب فعالین کارگری و اجتماعات و اعتصابات کارگری توسط رژیم اسلامی بیوقفه ادامه دارد، اما کارگران صنایع مختلف، پرستاران و معلمان در سراسر ایران مرتبا در اعتراض و اعتصاب هستند.

برای کارگران در ایران روشن است که از توافقات لوزان و آزاد کردن برخی پولهای بلوک شده جمهوری اسلامی چیزی به طبقه کارگر نمیرسد. همانطور که بسیار قبلیتر از درآمد نجومی نفت در دوره احمدی نژاد چیزی به طبقه کارگر نرسیدحتی اگر جمهوری اسلامی از تحریم اقتصادی نجات یابد و سرمایه ها به ایران سرازیر شوند، سازماندهی یک اختناق عربان برای تضمین استثمار شدید کار ارزان، ویژگی عام حاکمیت سرمایه داری در ایران است. سوال محوری برای طبقه کارگر ایران تلاش برای رهایی از سلطه سپاه جمهوری اسلامی بعنوان نگهبان ورشکسته نظم سرمایه در ایران است.

تاکید یک نکته بسیار ضروری و مهم است: طبقه کارگر همواره از درجه منافع بلافصل و مشروع و عام خود با طبقه حاکم و حکومت شان روبرو میشود. افزایش دستمزدها و دیگر مطالبات برحق کارگران این درجه است. اما هم کارگران و هم سرمایه داران و حکومت اسلامی شان میدانند که این تقابل برسر چیست.

طبقه کارگر برای اینکه در محور سیاست سراسری قرار گیرد و به امید مردم برای آزادی جامعه تبدیل شود، باید علیه فقر و فلاکت عمومی برخیزد. کارگران کمونیست و سوسیالیست که برای اتحاد فوری کارگران حول هر ذره بهبود وضعیت معیشتی تلاش میکنند، همواره به طبقه کارگر این حقیقت را میگویند که این اوضاع با وجود سرمایه داری و جمهوری اسلامی بدتر هم میشود. این تجربه

**نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!**



## دریای مدیترانه گور جمعی قتل عام جستجوگران یک ماوا

آذر ماجدی

۲۰۱۴ که کشور ایتالیا و اروپای واحد تسهیلاتی برای نجات پناهنده ها ایجاد کردند، تعداد بسیاری از مسافرین قایق های واژگون شده نجات یافتند. نتیجه آنکه در ژانویه تا آوریل ۲۰۱۴ تعداد ۵۶ نفر جان باختند. عملیات نجات پناهنده ها بعلت هزینه آن و با این استدلال که عملیات نجات موجب تشویق مهاجرت می شود (سخن دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا) متوقف شد. و اکنون پس از توقف عملیات نجات در سال ۲۰۱۵ تعداد ۱۷۵۰ نفر در آبهای مدیترانه غرق شده و جان باخته اند.

اوضاع آنچنان شور است که حتی روزنامه های لیبرال انگشت شماتت را بسوی دولتهای اروپا گرفته اند. دخالت نظامی و مانیپولاسیون سیاسی دولتهای غربی، تروریسم دولتی، بمنظور ممانعت از قدرتگیری مردم و نیروهای چپ به سقط خیزش های انقلابی پرداخت؛ خیزش هایی که با امید به دستیابی به یک زندگی بهتر و انسانی تر شکل گرفت. بدنبال دخالت دولتهای غربی و تروریسم اسلامی شرایط از پیش نیز بر مردم تنگ تر شد. هر جا که توانستند یک دیکتاتوری سفت و سخت تر برپا کردند، مثل مصر؛ و هر کجا که از این کار عاجز بودند یک سناریوی سیاه بر مردم تحمیل کردند، لیبی و سوریه. مردم عاصی و مستاصل آواره شده اند. اما دولتهای غربی مرزها را به روی این انسانهای بخت برگشته، به روی این قربانیان جنایتشان بسته اند. زمانی که اینها خود خطر می پذیرند و از جهنم می گریزند، حتی حاضر به نجاتشان نیستند.

این قتل عام را باید در وهله اول بپای دولتهای غربی، بپای تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی نوشت که در شرایط حاضر دست در دست هم دارند مردم منطقه را زیر شکنجه نابود می کنند. هر نوع مدنیتی را از بخش وسیعی پاک کرده اند. افغانستان و عراق کافی نبود، لیبی، سوریه و یمن هم به این لیست اضافه شده اند.

ضمن محکوم کردن قاطعانه این جنایات باید دولتهای غربی را وادار کرد که مرزها را بروی انسانهایی که از جنگ و فقر و ویرانی می گریزند باز کنند و سریعاً عملیات نجات را در آبهای مدیترانه راه اندازی نمایند. چند انسان دیگر باید بخاطر تامین منافع این لاشخورهای غربی و اسلامی بر زمین بیافتند؟ باید به این شرایط خاتمه داد.\*

در هفته اخیر دو قایق حامل صدها نفر انسان بخت برگشته ای که از ویرانی و کشتار و جنگ می گریختند، در دریای مدیترانه واژگون شد. روز ۱۹ آوریل قایقی حامل بیش از ۸۰۰ انسان، در این میان تعداد بسیاری کودک واژگون شد. ۸۰۰ نفر جان باختند. دولتهای اروپایی قاچاقچی های پول پرست را شماتت و محکوم کردند. از ژانویه تا آوریل ۲۰۱۵ تعداد ۱۷۵۰ نفر در آبهای مدیترانه ناپدید شده اند.

این صدها انسان قربانی حادثه طبیعی نیستند؛ مرگ آنها نتیجه تصادف نیست. مسئول اصلی این کشتار و قتل عام دولتهای غربی اند. اولین سوالی که به ذهن انسان خطور می کند: چرا این تعداد بیشمار انسان این چنین خود را به خطر می اندازند؟ عقل شان کم است؟ جوان و ماجراجویند؟ تحت تاثیر مواد مخدر و الکل اند؟ اینها بخشی از مردمی هستند که جسارت کردند و به اعتراض علیه بی عدالتی، فقر و اختناق بپاخواستند. سه سال پیش مردم لیبی برای یک زندگی بهتر به خیابانها آمدند. تنها گناه این مدفون شدگان در قعر آبهای مدیترانه خیزش علیه دیکتاتوری خونین قذافی است. دولت قذافی بیرحمانه سرکوبشان کرد و سپس دولتهای غربی، تروریسم دولتی، وارد کارزار شدند. ناتو در لیبی دخالت نظامی کرد، دولت قذافی سرنگون شد و حکومت بدست اسلامبست ها سپرده شد. سناریویی سیاه تر از پیش در لیبی پیاده شد.

اکنون با حضور داعش و جهادبست ها و شیخ های منطقه، لیبی در آتش جنگ می سوزد؛ ویران شده، هرج و مرج و ترور بر زندگی مردم غلبه یافته است. مردم عاصی و مستاصل هر چه دارند میفروشند، قرض می گیرند و تمام زندگیشان را دو دستی تسلیم لاشخورهایی می کنند که در شرایط هرج و مرج و ویرانی کسب شان رونق می گیرد، علیرغم خطر بسیار آنچنان مستاصلند که مرگ در آبهای مدیترانه را به ادامه زندگی در جهنم تحت تاخت و تاز اسلامبست ها ترجیح می دهند. با کورسوی امید به یک زندگی بهتر در قایق های ناامن سوار می شوند. قایق هایی که چندین برابر ظرفیت مسافر سوار می کنند. قاچاقچی های لاشخور برخی از مسافرین، عمدتاً کودکان را در بخش تحتانی قایق زندانی می کنند. حتی با حیواناتی که به سلاخ خانه برده می شوند، چنین رفتار نمی شود.

از اکتبر ۲۰۱۳ که اولین حادثه مرگبار در چنین ابعادی شکل گرفت تاکنون قایق های بسیاری از آفریقا بقصد اروپا حرکت کرده اند، تمام این قایق ها در راه واژگون شده اند. اما در سال

**اسلام ضد زن است!**



از سایت

سازمان آزادی زن دیدن کنید!

[www.azadizan.org](http://www.azadizan.org)

## مبارزه با فحشاء

### از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگن و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به باز یابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

دست مذهب از سر مردم کوتاه!

## پیام سازمان آزادی زن بمناسبت اول ماه مه

روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز اعتراض به فقر و نابرابری، تبعیض، ستم و سرکوب، روز دادخواهی بشریت کارگر و اعلام مانیفست آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری است. اول ماه مه روزی است که طبقه کارگر آزادیخواه، برابری طلب و سوسیالیست در اعتراض به سرکوب و استثمار سرمایه داری و به امید یک آینده آزاد و برابر و مرفه با پرچم های سرخ به میدان می آید. از این رو است که اول مه فقط روز کارگران نیست. روز تمام انسان های آزادیخواه و برابری طلب، روز بشریتی است که علیه این پیش از تاریخ سرکوب و استثمار بپا خاسته است و برای یک دنیای بهتر، یک دنیای آزاد، برابر و مرفه مبارزه میکند.

### زنان آزادیخواه!

اول ماه مه روز اعتراض به نابرابری، روز نوید یک دنیای آزاد و برابر است. جنبش آزادی زن باید در این روز در کنار طبقه کارگر و تمام انسان های آزادیخواه به میدان بیاید و خواست آزادیخواهانه و برابری طلبانه خویش را با صدای رسا فریاد زند.

فقر و فلاکت روزافزون زندگی انسان های کارگر و زحمتکش را با تهدید جدی روبرو کرده است. استثمار شدید، شرایط سخت و ناپایدار کار، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، سفره های خالی و استیصال سهم اکثریت و ثروت های افسانه ای، نصیب اقلیت کوچک و مفت خور جامعه است. کارگران، پرستاران و معلمان در اعتراض به این بی عدالتی و سرکوب به خیابان ها آمده اند و علیرغم سرکوب خشن رژیم اسلامی خواست خود برای یک زندگی انسانی تر را با صدایی رسا اعلام می کنند.

اول ماه مه روز پافشاری بر این خواست برحق، روز همبستگی تمام انسان های شریف، آزادیخواه و برابری طلب برای طرح مطالبه یک زندگی بهتر و انسانی است. روز اول ماه مه باید با تجمع وسیع و متشکل خود علیه فقر و فلاکت و سرکوب و استثمار که این رژیم جنایتکار بمدت بیش از سه دهه بما تحمیل کرده به اعتراض بلند شویم. صفوف متحد و همبسته ما رژیم اسلامی را به ریشه مرگ می اندازد. اول ماه مه در صفوف متحد و متشکل به خیابان ها بیاییم.

اول ماه مه یک روز مهم، یک روز اعتراض و دادخواهی است. در این روز جنبش آزادی زن باید در کنار جنبش طبقه کارگر در پیشاپیش صفوف آزادیخواهی و برابری طلبی به حرکت درآید. اول ماه روزی است که پیوند جنبش آزادی زن با جنبش آزادیخواهی طبقه کارگر برای یک آینده آزاد و برابر تحکیم می شود.

زنده باد آزادی و برابری

سازمان آزادی زن  
۲۵ آوریل ۲۰۱۵

## آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

[www.azadizan.org](http://www.azadizan.org)

سردبیر: آذر ماجدی

[majedi.azar@gmail.com](mailto:majedi.azar@gmail.com)

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

## تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران

از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۱۱۱۳۷

KMTV

به سازمان آزادی زن پیوندید!